حج، عاشورا و سلامت معنوی

حجت الاسلام عبدالرسول هاجری[1]

دو رویداد دینی که عناصر و مؤلفه‌های سلامت معنوی در آن‌ها موج می‌زند، "حج" و "عاشورا" است. از این منظر، حج و عاشورا نمادهای مجسم سلامت معنوی هستند. حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالرسول هاجری، عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی همزمان با پایان موسم حج و آغاز ماه محرم طی سخنانی به ظرفیت‌های اخلاقی و معرفتی حج و عاشورا در موضوع سلامت معنوی پرداخت. در مقدمه این سخنرانی به ارتباط میان حج و امامت پرداخته شده است و سپس در بخش اصلی بحث از حوزه‌های تلاقی آن دو با سلامت معنوی رونمایی شده است.

مقدمه

حج و امامت

پایان ماه شوّال و موسم حج و آغاز ماه محرم از یکسو و ارائه بحث در گروه سلامت معنوی از سوی دیگر ایجاب می‌کند بحثی تقدیم محضر استادان شود که دربردارنده سه موضوع "حج"، "عاشورا" و "سلامت معنوی" باشد. به همین دلیل پیرامون ظرفیت‌های اخلاقی و معرفتی حج و عاشورا در مقوله سلامت معنوی مطلبی را تقدیم می‌کنم,

حج در معارف اسلامی، سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) با امامت عجین شده و جدایی ناپذیر است. به بیان دیگر حج بدون امامت، ناقص و ناتمام است. امام محمد باقر(ع) در همین باره فرمودند: حج با رسیدن به امامت تمام و کامل می‌شود.[2]

در مناسک حج، نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم(ع) خوانده شود.[3] اگر حج‌گذار از مقام ابراهیم که مقام امامت[4] است جلو بزند، گرچه نمازش به کعبه نزدیک‌تر است ولی به فتوای همه فقهای شیعه و سنی باطل است.

آیه امامت و اکمال دین[5] در روز *عرفه* در موسم حج نازل می‌شود[6] و واقعه غدیرخم و پیوستن اقیانوس نبوت و ولایت، در پایان حج *سال دهم هجری* رخ می‌دهد.

بحث دیگری که در ارتباط با حج و امامت مطرح می‌شود حضور امام زمان در ایام حج است. امام صادق(ع) می‌فرماید: امام زمان(عج) هر سال در حج حاضر می‌شوند همه را می‌بینند امّا دیگران ایشان را نمی‌بینند.[7]

عثمان عمری نایب خاص امام زمان(عج) می‌گوید: به خدا سوگند که آقا هر سال در ایام حج می‌آید. او مردم را می‌بیند و می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌بینند و نمی‌شناسند.[8] دلیلش این است که تدبیر حج با امام است، مدیریت حج با ایشان است. مراسمی که دست

---

۱. عضو گروه سلامت معنوی

۲. عن الباقر(ع): تمام الحج، لقاء الامام. عیون اخبار الرضا(ع)، صدوق، محمد، ج ۲، ص ۲۶۲.

۳. وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى (بقره، ۱۲۵).

۴. فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّی جَاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِمَاماً (بقره، ۱۲۴).

۵. الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلاَ تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاَمَ دِيناً (مائده، ۳).

۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۹۶.

۷. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۲، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق، ص ۱۵۰.

۸. ابن بابویه، احمد بن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، محقق غفاری، علی‌اکبر، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۲۰.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]

خداست، مدیریت آن هم دست بهترین بندگان خداست، از ابراهیم(ع) به اسماعیل(ع) رسیده، همین‌طور آمده به پیامبر(ص) رسیده و الان هم به امام زمان(عج) رسیده است.

از این موارد که حج را با مقوله امامت مرتبط می‌کند، در متون و منابع وحیانی و تاریخ اسلام شواهد و مصادیق بسیاری داریم.

واقعه عاشورا هم که به تعبیری همان غدیر مجسم است، با حج ارتباط دارد. امام حسین(ع) در موسم حج، اعمال خود را ناتمام می‌گذارد و به سمت کربلا می‌رود. عاشورای امام حسین(ع) در ادامه حج رخ می‌دهد. خداوند در غدیرخم به مسلمانان فرمود که ادامه مسیر نبوت، با امام و امامت است. اگر امام را از دین بگیرید، دین کامل نیست و اصلا دین تحقق پیدا نکرده است.[۹]

چون مسلمانان متوجه نشده‌اند و پیام را نگرفتند، خداوند هزینه کرد و در عاشورا با قربانی‌کردن و اسارت برگزیده‌ترین بندگانش نشان داد که دین با امام و دین بدون امام چیست و سرانجامش چه می‌شود. یک طرف، گروهی از مسلمانان که امام ندارند در برابر جبهه‌ای صف‌آرایی کرده‌اند که امام دارند. اسلام بی امام می‌شود عبیداله و عمر سعد و شمر و فجیع‌ترین جنایات بشری را رقم می‌زنند و از سوی دیگر اسلام با امامت می‌شود حر و مسلم عوسجه و حبیب و بریر که کمال صفات و سجایای انسانی را به تصویر می‌کشند.

عاشورا اوج امامت و حقیقت حج است.

عاشورای حسین تجسم حج است، اجرا و تحقق تمام آموزه‌ها و فرامین الهی در حج است. خداوند متعال با حسین(ع) و اصحاب او در کربلا، تمام پیام‌ها و درس‌های حج را به نمایش می‌گذارد.

در کربلا لبیک داریم، احرام داریم، طواف و سعی داریم، رمی جمرات داریم، منا و قربانگاه داریم، تقصیر و حلق و دل بریدن داریم، تحقق و تجسم درس‌ها و آموزه‌های حج تمتع در عاشورا ظهور می‌کند.

حج، عاشورا و سلامت معنوی

میان حج و عاشورا در ابعاد مختلفی با سلامت معنوی ارتباط وجود دارد که در این‌جا به سه بعد این ارتباط می‌پردازیم:

الف: الگوهای سلامت معنوی در حج و کربلا

در کربلا الگوهای انسانی بسیاری را می‌بینیم که نماد و تجسم سلامت معنوی، بلکه اوج سلامت معنوی هستند و حتّی مرزهای سلامت معنوی را در نوردیده‌اند.

این الگوها و گروه‌های مرجع در واقعه عاشورا بی‌نظیر و شگفت‌انگیزند و در همه سنین و سطوح به چشم می‌خورند.

در مباحث علوم تربیتی و جامعه‌شناسی، الگوهای رفتاری و گروه‌های مرجع نقش تأثیرگذاری در جامعه‌پذیری انسان‌ها دارند. عاشورا و کربلا سرشار از الگوهایی است که رفتار و حالات‌شان نماد مجسم آرامش و سلامت معنوی است. در کربلا مجموعه‌ای از افراد مسن هستند که در جهات مختلف اخلاقی و رفتاری الگو هستند: حبیب بن مظاهر، مسلم بن عوسجه، عبدالرحمن بن عبد ربّ، انصاری خزرجی، زهیر بن قین، انس بن حرث اسدی، شوذب غلام شاکر بن عبدالله، قاسط بن زهیر از جمله سالمندان نمونه واقعه کربلا هستند.

از دیگر سو، گروه جوانان را داریم. طبق گفته مورخان، اکثر شهدای کربلا جوانان و نوجوانان هستند. ۱۴ نفر آن‌ها از اهل بیت و ۱۷ نفر از غیر بنی‌هاشم هستند. جمع این شهدای جوان به ۳۱ نفر می‌رسد. علی‌اکبر، عبدالله بن علی (۲۵ سال)، عثمان بن علی (۱۹ سال)، جعفربن علی (۱۸ سال)، قاسم‌بن الحسن (۱۳ سال)، ابوبکر الحسن (۱۳ سال) عون و محمد بن عبدالله (فرزندان حضرت زینب (س))، عبدالله و محمد بن مسلم، عبدالرحمن و جعفربن عقیل، این‌ها از اهل‌بیت هستند امّا جماعت دیگری از غیر بنی‌هاشم هستند مانند: سیف‌بن الحارث، الهمدانی، مالک‌بن‌عبدالله الهمدانی، عائذبن‌مجمع، عمروبن قرظه، عمروبن‌جناده، عبدالله و عبدالرحمن

۹. أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (مائده، ۶۷).

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]

بن عوده، وهب و همسرش، عبدالله و عبیدالله بن یزید، عبدالرحمن بن مسعود، عماد بن حسان، جهش بن قیس بن مسلمه.

این جوانان به شهادت و گواهی مورخان و مقتل‌نویسان هرکدامشان در گفتار و رفتار بی‌نظیرند.

ویژگی‌هایی که از جوانان شهید عاشورا روایت شده عبارت است از: ایمان راسخ، هوشمندی، شناخت زمانه، وفاداری، شجاعت، آرامش، امید، ایثار، گذشت، مردمداری، مهرورزی، عدالت، ادب جوانمردی، پایبندی به اصول اخلاقی، صبر و استقامت در شرایط سخت، عزت و غرور.

در کربلا زنان نیز نقش بسیار تاثیرگذاری داشتند. الگوهایی فرا زمانی و فرا مکانی که فقط مربوط به آن ایام و دوران نیستند. با وجودی که دنیایی از مصیبت‌ها و بلایا به آنها هجوم آورده، استوار می‌ایستند و کوفه و شام، بلکه یک نظام سیاسی را تحت تاثیر قرار داده و به عقب نشینی وا می‌دارند.

شام و کوفه را پیش و پس از حضور حضرت زینب(س) و کاروان بانوان اسیر ملاحظه کنید. قبل از ورود کاروان اسراء، همه اهالی کوفه و شام لباس جشن پوشیدند و پشت دروازه‌های کوفه و شام هلهله و ولوله و شادی به راه انداخته و بخاطر شکرگذاری شکست دشمنان‌شان روزه می‌گیرند، اما همین کوفه و شام وقتی حضرت زینب(س) و کاروان اُسرا خارج می‌شوند، همه پشیمانند و چشم‌ها از اشک پرخون شده و لباس سیاه برتن کرده‌اند. نهال نهضت توابین تحت تأثیر کاروان بانوان و اسرا جان می‌گیرد. یک انسان چگونه می‌تواند در تلاطم و امواج سهمگین بلایا، خودش را کنترل کرده و همزمان بتواند برروی رقیب مغرورش تأثیر بگذارد.

با چه راه‌ها و چه شیوه‌هایی توانسته‌اند به این تعادل و آرامش عظیم روحی برسند. این آرامش و خروش فقط به حضرت زینب(س) اختصاص ندارد. ام کلثوم، سکینه، رباب، رقیه، ام هانی، ام وهب، همسر وهب، بحریه بنت مسعود خزرجی و دلهم همسر زهیر و ده‌ها بانوی اسیر دیگر هم در این نمایش باشکوه اخلاق و انسانیت نقش‌آفرینی می‌کنند.

به ام وهب که تازه داماد خود را روانه میدان کرده، نگاهی بیندازید. جوان تازه دامادش را پیش چشمانش کشته و تکه تکه می‌کنند، سر از تنش جدا کرده و برای اینکه بر داغ این مادر بیافزایند سر فرزند را جلوی او می‌اندازند. در این موارد آدمها چگونه برخورد می‌کنند، ام وهب سر فرزندش را می‌گیرد و می‌گوید قربانی در راه خدا را پس نمی‌گیرم.

به غیر از موارد اشاره شده، الگوهای دیگری در عاشورا به چشم می‌خورد. تازه عروس و تازه داماد (وهب و همسرش)، معلم و قاری قرآن (بریربن‌خضیر، حنظله‌بن اسعد، نافع‌بن هلال، هنرمند و شاعر (یزید بن مغفل جعفی) و تاجر(زهیربن قین) هم داریم. این گونه‌های مختلف و متنوع، همان الگوهای رفتاری هستند که ما امروز در مبحث سلامت معنوی بدان‌ها نیاز داریم.

حج نیز سرشار از الگوهای رفتاری و نمادهای سلامت معنوی وحیانی است. ابراهیم سالمند، اسماعیل جوان، هاجر بانوی کنیزی که قبر او جزء مطاف حجاج و عمره‌گذاران است. قله‌های صبر و آرامش در برابر امواج و بحران‌های سخت زندگی و نمادهای والای سلامت و سجایای اخلاقی و انسانی.

ب: حج، عاشورا و چگونه زیستن

حج و عاشورا یک مدرسه الهی هستند. خداوند متعال برای همه انسان‌ها دوره آموزش ضمن خدمت گذاشته که درس‌های چگونه زیستن را بازآموزی نماید. این درس‌های چگونه زیستن، بسیار متعدد و متنوع و در عین حال انسان‌ساز است. بانی این دوره ضمن خدمت، برای شرکت بندگان و ایجاد انگیزه هزینه هم کرده و ثواب، آمرزش و بخشش گناهان، دعای مستحاب و ارتقای رتبه معنوی برای شرکت‌کنندگان در نظر گرفته است.

مثل دوره ضمن خدمت معلّمان آموزش و پرورش که امتیاز و رتبه می‌دهند ولی امتیاز و رتبه هدف نیست، هدف آن است که معلم برود سر درس بازآموزی بنشیند، چیزی یاد بگیرد و بعد بیاید، آموزش و تعلیم و تربیتش را تغییر و ارتقاء دهد.

خیلی‌ها حج را که می‌خواهند تعریف کنند، می‌گویند حج برای آمرزش گناهان است، بله هست ولی آمرزش هدف نیست. می‌گویند

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]

حج ثواب دارد، بله دارد، خیلی هم دارد، ولی هدف حج ثواب هم نیست. همه اینها ایجاد انگیزه است برای این که آدمی که تابع نفع خودش است، برود در کلاس درس زندگی و چگونه زیستن بنشیند و دوره آموزشی الهی را طی کند.

خداوند متعال می‌خواهد در این دوره ضمن خدمت به من و شما بگوید مسیرت را اشتباه می‌روی: فاین تذهبون. کلاس‌ها در مسجدالنبی، بین‌الحرمین، بقیع، مسجدالحرام، صفا و عرفه برگزار می‌شود. در هر کلاس باید درسی را برای تغییر مسیر زندگی بیاموزی.

این دوره استاد هم دارد و خدا بهترین بندگانش را به عنوان استادان این دوره انتخاب کرده است، ابراهیم، اسماعیل، هاجر، محمد مصطفی(ص)، علی(ع) و فاطمه(س) استادان این دوره هستند.

حال اگر کسی رفت و در کلاس شرکت کرد و برگشت و تغییر نکرد، مردودی دوره آموزش ضمن خدمت الهی است. در متون روایی ما از حضرت رسول اکرم(ص) و اهل‌بیت(علیهم‌السلام) نقل است که پرسیدند: نشان قبولی اعمال حج چیست؟ فرمودند: تغییر در عمل، اگر کسی از حج برگشت امّا رفتار و گفتارش تغییر نکرد و انسانی‌تر و اخلاقی‌تر نشد، مردودی مدرسه حج است.[۱۰]

تمامی عناصر و مؤلفه‌ها و اجزاء حج، درس و تفسیر سلامت معنوی وحیانی است. برای مثال از اولین ایستگاه‌های سلامت معنوی، بازنگری و بازخوانی خویش است. همه ما برای رسیدن به ساحل سلامت معنوی، به خلوت و تفکر و بازنگری در خود نیازمندیم که کجای عالم هستیم.

از مراحل نخست سلامت معنوی، یقظه و بیداری است. این شوک و یقظه در حج، از منزل اول در میقات، در مسجد شجره و جحفه، آغاز می‌شود، جایی که لباس‌های فاخر را از تن درآورده و احرام برتن می‌کنیم. حتی یک نخ ابریشم که باعث تفاخر و تمایز انسانی بر دیگری شود، حج را باطل می‌کند. در احرام و طواف، تمایزات کنار می‌رود. مقام، ثروت، خدم و حشم همه می‌بایست کنار رود. اگر این عناوین و تمایزات در مسیر سعادت و خوشبختیِ ابدی کارساز و راهگشا نیست و در محضر الهی مقبول نیست، چه چیزی در مسیر زندگی و پل صراط به کار می‌آید! می‌فرماید: **إِلاَّ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ**.[۱۱]

کسی در مسیر زندگی موفق و خوشبخت می‌شود و از پل صراط عبور می‌کند که قلبش یعنی جعبه سیاه زندگی و اسرارش برخوردار از سلامت معنوی باشد.

حج می‌رویم که قبل از مردن بمیریم. حاجی در لباس احرام که شبیه کفن میت است، به یقظه و بیداری می‌رسد که دستش خالی است، داشته‌ها را باید بگذارد و برود. لباس احرام یعنی اینکه خدا ما را پیش از مردن می‌میراند، نظیر شب اول قبر که جز کفن و قلب سلیم هیچ چیز اعم از مال و اولاد، ارزش ندارد.

احرام باعث می‌شود انسان‌ها بازنگری کنند، در خلوت خود ببینند چه دارند و بجز آنچه اندوخته و در مسیر عزت و خوشبختی و سعادت اخروی بدردشان نمی‌خورد، چیز دیگری دارند، دارای قلب سلیم هستند یا خیر.

از سوی دیگر، محرمات احرام نیز هریک درسی از درس‌های سلامت معنوی وحیانی است. وقتی مُحرم نمی‌تواند به آینه نگاه کند، یعنی برای گام برداشتن در مسیر بندگی خدا و خوشبختی، باید خودت را نادیده بگیری. نمیتوانی هم خودت را ببینی و هم در این مسیر گام برداری. خانه من، مال و مقام من، آسایش من، شخصیت من، مانع راه خوشبختی و موجب اضطراب‌ها و استرس‌های دایمی است: "تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز"

در حج می‌آموزیم که چنانچه بخواهیم این مسیر را طی کرده و به قله سلامت معنوی برسیم باید از خود بگذریم و دیگران را مقدم بشماریم.

---

۱۰. قال رسول الله(ص): آیه قبول الحجِّ تَرکُ ما کان علیه العَبدُ مُقیماً مِنَ الذَّنُوبِ.(بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۳) و عنه(ص): من علامه قبول الحج اذا رجع الرجل عمّا کان علیه من المعاصی، هذا علامهٔ قبول الحج و ان رجع من الحج ثم انهمک فیما کان من زنا او خیانه او معصیه فقد ردّ علیه حجه. (مستدرک الوسایل، ج ۱۰، ص ۱۶۶)

۱۱. شعراء، ۸۸.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]

یکی دیگر از درس‌های مدرسه حج، مهارت و کف نفس و کنترل خویشتن است. یک دوره تمرین و مهارت نه گفتن به خواهش‌های نفسانی.

احرام و اعمال حج و عمره یعنی همین، یعنی خودت را در جایی که خواهش نفسانی است، کنترل کن. ارتباطات عادی زناشویی، حرام. چیزهای معطر حرام. خیلی از چیزها را حرام کرده تا خویشتن‌داری تمرین شود و حاجی بیاموزد که در خیلی جاها به همه اینها، نه بگوید. چقدر این دوره، زیبا و پرمغز و معنا است. اگر حالتی که حاجی در حج دارد و خویشتن‌داری دوره احرام را پس از حج فقط چهل روز داشته باشد و ادامه دهد، به قبیله عارفان واصل می‌پیوندد.

حج مهارت انسان زیستن است، تمرین رعایت حقوق دیگران حتّی حیوانات و گیاهان است. ناچیزترین و کوچک‌ترین جانوران هم از سوی حاجی در امان هستند.

همزیستی مسالمت‌آمیز با دیگران، کنترل زبان، کنترل خشم و غضب، گذشت، نیکوکاری و نیک‌اندیشی از درس‌ها و مهارت‌های حج است.

حج، سرشار از درس‌های زندگی و سلامت معنوی است. در این مقال تنها به برخی فهرست‌ها و عناوین پرداختیم امّا این بحث نیازمند بررسی و مطالعات جامع و همه‌سونگر است.

حالا به عاشورا و کربلا می‌رسیم. عاشورا، نماد مجسم حج و درس‌ها و پیام‌های حج است. به بیان دیگر، تمام درس‌های حج، در اوج و کمال خود در عاشورا و کربلا جلوه‌گر می‌شود. تابلویی شکوهمند و فاخر و مانا که همه عناصر و مؤلفه‌های سلامت معنوی در آن به زیباترین شکل ترسیم و نقاشی شده‌اند. تجسم گذشت و عبور از خود و خواهش‌ها و تمایلات نفسانی در اباعبدالله(ع) و اصحاب او به اوج رسیده است. حسین(ع) در برابر همه نامهربانی‌ها، عهدشکنی‌ها و جسارت‌ها و خیره‌سری‌ها اخم و نفرین نکرد بلکه آغوش خود را حتی برای سپاهیان عبیدالله به فرماندهی حر باز کرد، تشنگانشان را سیراب کرد و سپس اسب‌های آنها را از مهلکه تشنگی و هلاکت نجات داد. معنای "عادتکم الاحسان" و "انتم اصول الکرم" در دعای جامعه کبیره در سیره و رفتار حسین(ع) با دشمنانش ظهور پیدا می‌کند. اگر بخواهیم گذشت و بخشش را تجسم کرده و به آن نگاه کنیم، این مجسم می‌شود حسین(ع)، احسان عادت آنها و همیشگی و دایمی است.

معنای کرامت خدا همین است که شاعر می‌گوید: "هرچه هستی گو بیا و هر چه خواهی گو بخواه" یا "صدبار اگه توبه شکستی بازآ" برای کریم، همه اولین باری هستند. کریم به سابقه و پیشینه و لیاقت فرد نگاه نمی‌کند، کار خودش را می‌کند.

ابا عبدالله (ع) هم تجسم این صفت الهی است. وقتی عباس(ع) به امان شمر جواب نمی‌دهد، امام حسین(ع) می‌فرماید تو را می‌خواند عباس(ع) عرض می‌کند: فاسق است. می‌فرماید به کسی که تو را می‌خواند پاسخ بده و منتظر مگذار گرچه فاسق است. حتّی دشمن نباید ناامید و دست خالی برگردد. در آخرین لحظات روز عاشورا که همه اصحاب و اهل‌بیت رفته و شهید شده‌اند، امام حسین(ع) می‌فرماید: هل من ناصر ینصرنی، این آخرین تیر امام(ع) است که از چله رها می‌شود تا اگر کسی دست او را بگیرد، از سقوط در آتش جهنم در امان بماند. این سفینه نجات، حتی در لحظه آخر هم از نجات غرق‌شدگان ناامید نیست گرچه همه جنایت‌ها را در حق او کرده‌اند.

عاشورا درس آرامش هم هست و نشان می‌دهد که یک انسان در مقابل دنیایی از مصیبت‌ها چگونه دریاوار صبر پیشه می‌کند.

خداوند لنگر اطمینان است، به اندازه‌ای که انسان‌ها به او نزدیک می‌شوند به آرامش می‌رسند و به سلامت معنوی و قلب سلیم می‌رسند.

امام حسین (ع) نه تنها اوج و قله سلامت معنوی است، اسطوره بلکه فرا اسطوره سلامت معنوی است یعنی حتی آنچه که به خیال بشر در اسطوره‌ها نمی‌آید، در رفتار اباعبدالله(ع) محقق شده است.

ارتباط بین عاشورا و سلامت معنوی، حج و سلامت معنوی جای بحث بسیار دارد و موارد ذکر شده تنها مقدمه‌ای برای ورود به بحث است.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]

پ: ظرفیت‌های زمانی و فرا زمانی حج و عاشورا

حج و عاشورا از جهت استمرار و گستره زمانی و جغرافیایی نیز بهترین فرصت‌ها برای ترویج و تحکیم سلامت معنوی هستند.

حج و عاشورا هرسال تکرار می‌شوند، همه اقشار به‌ویژه جوانان از سراسر جهان در اوج آمادگی و پذیرش در این مراسم شرکت می‌کنند. در پاسداشت و بزرگداشت چه رخداد یا حادثه‌ای می‌توان این همه انسان را همه ساله در اوج آمادگی روحی و روانی گرد آورد! بنابراین همه نهادها و دلسوزانی که برای ایجاد، تقویت و گسترش نهادینه سلامت معنوی در ایران اسلامی تلاش می‌کنند باید از ظرفیت این دو دریای عظیم و بیکران و همیشه جاری حج و عاشورا استفاده کنند.

واپسین کلام

برای اینکه بدانیم جایگاه بحث سلامت معنوی، در اسلام کجاست، فقط کافی است به این حقیقت توجه شود که اسلام از ریشه ***سلم*** است، از ***سلام*** و ***سلامت*** است. این ابتدای اسلام که از واژه امن و امنیت و سلامت گرفته شده امّا در انتها و مقصد اسلام هم که معاد است باز سلامت میان‌داری می‌کند: "إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ" خداوند متعال می‌فرماید: در آخرت تنها کسانی از صراط می‌گذرند و خوشبخت هستند که برخوردار از سلامت قلبی و معنوی باشند.

بحث دیگر هم فلسفه و پیشینه سلامت معنوی است که بسیار مهم است. این که چرا اکنون سلامت معنوی در غرب مادی مطرح می‌شود یا این که چرا اصرار دارند به جای سلامت دینی از اصطلاح سلامت معنوی استفاده کنند. آیا همان مباحث را در همان چارچوب‌های رایج باید در ایران اسلامی پیگیری و اجرایی کنیم یا باید به منابع و متون دینی خود بازگردیم، از جمله مواردی است که بحث جداگانه و مفصلی می‌طلبد امّا باید به شکل اساسی به آن پرداخته شود.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-24]